

اجرا گذارد ولی چون يك قسمت این مسئله راجع بجمع آوری عایدات - علیه است وزارت عدلیه نخواسته است این اقدام را بدون اطلاع وزارت مالیه بنماید و مخصوصاً از وزارت مالیه خواهش شده است یک نفر مفتش معین کند که او هم حاضر شده و صورت عایداتی را که ممکن است وصول یا اینکه حیف و میل شود برداشته و آنها را جمع آوری کند و در همان موقع هم تکلیف احکام اجرا نشده معین و از هر حیث رفع شکایت مردم خواهد شد و یک عایدات - جدیدی برای دولت حاصل می شود

رئیس - چون ظهر گذشته است مذاکرات توقیف می شود بقیه مذاکرات می ماند برای روز چهارشنبه جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستورالاول مسئله قالی جوهری نانباریرت کمبسیون قوانین مالیه راجع بازدادن رشهای پستی خواهد بود مخالفی نیست ؟

(مخالفتی نشد)
(مجلس سه ربع بعد از ظهر ختم شد)
مؤتمن الملک

(جلسه ۱۴۶)

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه دهم میزان ۱۳۰۱ مطابق یازدهم صفر الخیر ۱۳۴۱

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه هشتم میزان را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - آقای قمی (اجازه)
آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده راجع بصورت مجلس مرضی ندارم
رئیس - آقای شریعتمدار کرمانی (اجازه)

شریعتمدار - حقه هم پیشنهادی بمقام مقدس ریاست عرض کردم که مستمریات متساویاً پرداخته شود اسمی از آن در صورت مجلس برده نشده

رئیس - جزو آن هفت فقره پیشنهادی است که متعهدالمضامین بوده اسم جنابمالی هم گویا قرائت شد

شریعتمدار - يك پیشنهادی متفقاً با آقای سلطان العلماء عرض کردیم یکی هم خود بنده پیشنهادی عرض کرده بودم

رئیس - اسم جنابمالی هم نوشته می شود. دیگر ایرادی نیست؟
(گفته شد خیر)

رئیس - صورت جلسه با این يك فقره اصلاح تصویب شد. راپورت کمبسیون فوائد عامه راجع بقالی های جوهری مطرح است آقای آقاسید یعقوب
(اجازه)

آقاسید یعقوب خوشبختانه امروز يك روزنامه هم بدستم آمد که خیلی موافق

را مجاز کنیم که در گمرک صد چهار بگیرد پس از آن مجاز بشوند و رنگ جوهری استعمال؟ لازمه استعمال رنگ جوهری متداول شدن او است باعث می شود که این صنعت مهم هم که یکمده کثیری از این راه نان می خورند از بین برود پس نظر باین مسئله چون بحث در کلیات است و هنوز در مواد داد نشده ایم عرض می کنم با این لایحه مخالف هستم چون لازمه این اجازه دادن بدولت که در گمرک يك حقی بگیرد شیوع رنگ جوهری است و من باینکه جوهری نظر باینکه که تجارت مملکت نکس وارد می آورد مخالف هستم و این روزنامه هم مال امروز است و برای اطلاع خاطر آقایان آوردم و همین جایی که لازم باشد تا آقایان ملاحظه فرمایند که حقیقتاً امریکاجقدر جدیت و فوق العاده میل دارد با ایران تجارت کند

و تجارت ایران در آنجا ترویج داشته باشد حالا که توافقی بین ایران و امریکا حاصل شده است و حالا که آنها غم و غصه ما را می خورند و از روی دلسوزی بامی گویند رنگ جوهری را استعمال نکنید برای اینست که صرفه ندارد و بتجارت مان لطمه وارد می آورد اینهم روزنامه و مرخص شدم

رئیس - گفتید بحث در کلیات است بحث در کلیات نیست و مذاکره در ماده اول است چون سابق در این باب مذاکراتی شده و شورور کلیات تمام شد و قرار شد يك شور شود

آقاسید یعقوب - من هم بعنوان ماده اول عرض کردم که خارج از موضوع نشود

رئیس - آقای وکیل الملک (اجازه)

وکیل الملک - مسئله قالی مدتها در مجلس محل ایراد و مذاکره واقع شده و جمعی از آقایان عقیده شان این است که رنگ جوهری بکلی آزاد باشد و مالیات هم بدولت ندهد دلیلشان هم این است که تجارت باید در دنیا آزاد باشد آقای کازرانی و جمعی دیگر می فرمایند اگر بد است نمی خرند و اگر خوب است میخرند بنابراین نباید قالی جوهری را منع کرد بعضی می گویند که این مسئله بکلی ممنوع باشد زیرا شکست کلی بتجارت مملکت وارد می شود و یکی از بزرگترین منافع مملکت ما باین جهت از بین خواهد رفت و هر کدام يك دلائلی ایراد می کنند ولی دولت در این مسئله قرار عادلانه گذاشته است اولاً اگر بگوئیم این مسئله بکلی آزاد باشد رفته رفته مثل سالهای سابق این مسئله طرز بدی بخود خواهد گرفت و در خارج پس از مدتی قالی های دوپست تومانی را بیست تومان میخرند و اینکه آقایان می فرمایند خریدارها می خرند و قیمت می کنند

اگر نخواهند نمی خرند اولاً این برای اروپائیانها صرفه دارد از یکدست میخرند و از دست دیگر می فروشند. ثانیاً مقدار از جوهرشان را که شاید در سال بعد یا دوپست هزار تومان بالغ میشود به ایران می فروشند و همین واسطه قالی که قیمت گزافی دارد بواسطه استعمال رنگ جوهر به قیمت نازلی بفروش میرسد پس دولت برای اینکه افراط و تفریط نشده باشد بین این دو نظر راجع کرده یعنی صد چهار برای قالیهای پست و صدی هشت برای قالی های عالی گمرک قرار داده و در مقابل هم این عایدات را تخصیص داده است که در ولایات و قصبات و جاهائیکه مراکز مهم قالی بافی است مدارس تأسیس شود و رنگ های ثابت تهیه کنند تا بیک ترتیب خوبی رفته رفته رنگ جوهری از بین رفته و قالیهای ثابت بیافند و اگر قالی ثابت رنگ باشد قالی هائی را که امروز بیست تومان سی تومان می خرند.

بعد از دو سه سال دوپست سیصد تومان قیمت پیدامی کند و علت اینکه امروز قالی بافها اصرار دارند رنگ جوهری استعمال کنند دو دلیل دارد یکی آنکه ارزان برایشان تمام می شود و دیگر آنکه وقت کم میبرد.

باین جهت است که اغلب اصرار در استعمال رنگ جوهر دارند و الا خود قالی بافها می دانند که قالی صد تومانی شان پس از چندی بیست تومان بفروش میرسد ولی پس از تأسیس و تمهیم این مدارس در ایالات و ولایات و فراوان شدن رنگ ثابت خود قالی باف هم چون می بینند رنگ ثابت زیاد است ناچار همان وقتی را که برای بافت قالی جوهری صرف می کنند صرف قالی ثابت می کنند که گران تر بفروش برسد پس از این مقدمات بنده بالا یحه موافقم و مخالفت در این خصوص را بی اساس می دانم.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی مخالفید؟

حاج میرزا مرتضی - بله

رئیس - بفرمائید
حاج میرزا مرتضی - بنده با این که سابقاً هم عرض کردم با مطلق گمرک بقالی اعم از ثابت و جوهری مخالفم و مخالفت بنده هم بواسطه این است که این يك صدمه بر صادرات مملکت ...

رئیس - ماده اول راجع با آزادی است و اگر با گمرک مخالفید ؟ در ماده دوم

حاج میرزا تقی - بنده با آزادی مخالفتی ندارم ولی چون سابقاً فرمودید در ماده اول در کلیات می شود مذاکره کرد عرض کردم
رئیس - هر ماده اولی این طور نیست

بعضی لوايح است که ماده اول آن اساس لايحه است در آن قبيح لوايح می شود در ماده اول راجع بکليات مذاکره نمود حاجی میرزاتقی - پس در ماده اول مرضی ندارم .

رئيس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب اجازه

حاجی میرزا عبدالوهاب - بنده هم در کليات مرضی داشتم که در این ماده می شود مذاکره کرد

رئيسی - در کليات دو سه جلسه سابق مذاکره شد آقای کازرونی

اجازه

آقا میرزا علی کازرونی - مرض بنده هم در کليات است .

رئيس - آقای حاج میرزا علی محمد حاج میرزا علی محمد بنده با ماده موافقم

رئيسی - آقای معتمد التجار چه طور؟ معتمد التجار - عرض بنده هم در کليات ماده دوم است

رئيس - آقای سدیدالملک موافقت

سدیدالملک - بلی

رئيس - آقای سلطان الملماء مخالفند

سلطان الملماء - خیر بنده هم موافقم

رئيس - آقای آقاسید فاضل موافقت

آقاسید فاضل - با آزادی موافقم

رئيس - آقای آقاسید کاظم

آقاسید کاظم - بنده مخالفم

رئيس بفرمائید

آقاسید کاظم - بنده مرض می کنم

آقایانی که می فرمایند قالی جوهری جزو تجارت است و تجارت باید آزاد باشد ملاحظه صنعت را ننموده اند که بواسطه آزادی قالی جوهری صنعت بکلی از بین می رود در ایلات و عشایر روزی ۳ شاهی

۴ شاهی برای اجرت بافت قالی به هر يك نفر داده می شود و قالی که ذره ۳۰ تومان تمام شده بواسطه رنگ جوهری ذره هشت

۹ تومان بفروش میرسد . آقایان می فرمایند تجارت آزاد باشد البته وقتی تجارت آزاد شد جنس خوب را هم در بازار دنیا بواسطه

جنس بد ارزان می خردند و آقایان باید ملاحظه صنعت را هم بفرمایند ما اگر بخواهیم

صنعتان از بین نرود باید قالی های جوهری را آتش زد زیرا اگر صد تاجر هم از بین

برود بهتر است تا این که صد هزارا که روزی ۳ شاهی یکمبایسی عایدی دارند از

بین بروند

رئيس - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم و نمی شود

بعد از يك مخالف حرف بزنم

رئيس - آقای حاج میرزا علی محمد

موافقت

حاج میرزا علی محمد - بلی

رئيسی - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - مال التجاره همه قسم است و نمی توان تجارت را محدود کرد بیک قسم اعلام اینک که در خارجه هم همه طور تجارت می کنند و نمیتوان گفت تماما اصل است خیر اصل و بدل با هم است منتهی

گاهی بدل را بصورت اصل در می آورند و اشکالی که هست این است که باید تشخیص اصل و بدل را داد والا اساساً جاوگیری

کردن از تجارت برای مملکت ما مضراست مثلا ساعت طلا هم از فرنگستان می آمد

ساعت مطلا هم می آید که تا پنج سال رنگش نمیرود و نمی توان تشخیص داد طلا است یا مطلا تفاوتی که دارد این است که در کارخانه

روی قاب ساعت حک می کنند که این ساعت مطلا است و تا پنج سال دوام دارد و اگر این حک و علامت نبوده چکس نمیتوانست

بدان اصل است یا بدل بنا بر این بنده معتقدم که باید تجارت بکلی آزاد باشد و هیچ

تفاوتی بین قالی جوهری و غیر جوهری نباید باشد تا مردم فقیر هم بتوانند قالی بخرند ولی باید کاری کرد که رفته رفته رنگ ثابت

جای گزین رنگ جوهر شود .

رئيسی - مذاکرات در ماده اول کافی است ؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئيسی - ماده دوم مطرح است آقای زنجانی

(اجازه)

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بنده برای بیان مقصد خود مختصر مقدمه می خواهم

عرض می کنم . بعضی اشخاص یا مالک یا جمعیت ها عادت دارند در هر کاری که پیش می آید عاقبت بینی می کنند و امروز ملاحظاتی

صد سال بعد را هم می کنند اما در مملکت ما غالباً همچو دیده ایم که روزانه است و هر چه مصلحت امروز است می کنند و فردا

هر چه پیش آید خوش آید و این مسئله ما را خیلی صدمه زده و نمی توانم زیادتر بگویم که چه کرده است .

بنده در ایام جوانی در ولایات خود دیدم که ابریشم و پنبه و پشم کتان میرسیدند

و رنگ می کردند و می بافتند و رفع حاجت خود را می کردند و بجا های دیگر هم

می فرستادند و همه جا ما به نیاز جانشان از خودشان بود و رفع حاجت می کردند يك مرتبه يك

بلیه واقعه شده و حقیقه بلیه بود که در اول خیلی معجب شدیم من خود دیدم که پنبه

یکم تیریز در زنجان دو قران بود یکدفعه آمدند پنج قران خریدند و تمام پنبه دارها

آمدند پنبه شان را فروختند آنوقت رسیدن از بین رفت بافتن رفت و کسانیکه از این

ممر نان می خوردند از بین رفتند و در نتیجه بسته شد . برای چه؟ برای اینکه دو قرانی

را پنج قران فروختیم و بخیال خود خیلی منفعت کردیم .

ولی برعکس چندین برابر ضرر

کردیم رنگ رزی بود که جمع کنی نان میخورند خارجه زیرک ملاحظه کرد که آیا کدام رنگ را اینجا می پسندند نخ رنگ کرده آورده بقیه رنگ نکرده

فروخت تا کم کم صبافی از بین رفت و دست همه بسته شد و یک جمع کنی از این طرف

از نان خوردن افتادند جولانی هم از بین رفت بنده خودم در زنجان دیدم که یک نفر

از اتباع خارجه که آدم خیر خواهی بود يك توپ کرباس که ده ذرع است يك نفر

آورده بود بازار بفروشد گرفت و گفت چند گفت دو تومان آورد وزن که دو چندین

توپ چیت نازک از دکان بزازی گرفت و آورد در يك طرف ترازو گذاشت و کشید

صد ذرع چیت مقابل يك توپ کرباس گذاشت تا مساوی شد بعد گفت قیمت این

چقدر است گفتند ذره دو قران گفت قیمت توپ کرباس چقدر است ؟ گفتند دو قران

گفته بود به بیشد این مملکت بیچاره کارش بکجا خواهد کشید این يك توپ کرباس را

ما بخرج اندک می بریم بکارخانه و صدی يك یاد و خرج می کنیم و برمی گردانیم شما

همان دو قران را صدودو قران می فروشیم پناه بخدا اغلب اعمال ما بشطور است تجارت

ما رفت صنایع ما رفت همه از بی ملاحظه گی يك چیز فشنک می آورند که آقا بالای

بغاری بگذارند و تماشا بکنند می خورد حالا چقدر میخورد ؟ نمی دانم چهل چراغ فشنک

می خورد . چقدر می خورد ؟ نمی دانم . الان يك بول میارزد ؟ نه بکلی آن بولها از بین

رفت هکتا صنعت ما را هم بکلی از میان بردند من خودم دیدم که چیت بسیار اهلا

اول ذره يك قران بود پست تر سکردند ذره سی شاهی شده . پست تر آوردند دو قران پست

تر سه قران فروختند تا اینکه کم کم بهیچ رساندند خودمان هم که نداشتیم ناچار شدیم بهر قیمت

که گفتند هر قدر هم بد بود خریدیم تا ببرد امروز گرفتار شدیم چرا اینطور شدیم ؟

چون عاقبت بینی نداشتیم . دولت و ملت و کسبه و تاجر هیچک عاقبت بینی ندارند .

این مقدمه عریض بنده بود . اما راجع بقالی هر متهای اهلا دارد . اولی هم دارد

کسی که قوه دارد جنس اهلا میخورد و کسی که ندارد پست می خورد این صحیح

است ولی من این فرض را نمی کنم همین قالی که شل میبافتند و رنگ ثابت دارد ذره

يك تومان میخرند ولی اگر قدری سفت تر بافتند میشود تا ذره ۱۰ تومان فروخت

ولی از برای بافت و خرج و زحمت عمله و استاد از حیث بافت فرقی ندارد همان زحمت

را دارد ولی از حیث قیمت فرق دارد حالا آیا انصاف است همان قالی را که آنقدر

دقت میکنند در آن رنگ جوهری استعمال کنند که پس از یکسال یا دو سال رنگش بکلی از میان

برود ؟ و برای يك قدری زحمت زیادتر

رنگ ثابت استعمال نکنند ؟ البته آنکه عاقل است قالی جوهری نمی خورد و از اول قالی ساده بازیاد می خورد و بمقیده بنده

باید که رنگ جوهری بکلی از میان برود اعم از ثابت و غیر ثابت از خارجه وارد نشود

چون ما خودمان رنگ داشتم و داریم از رنگ خارجه هم بهتر است . سابقاً صباغ ها که

رنگهای ثابت خوب می توانستند بسازند حالا هم داریم روناس داشتم . پوست انار

داشتم . ما زود داشتیم . بیل داشتیم آنهایی بودند که ساختن این رنگ ها را خوب

می دانستند حالا هم هستند و میدانند و اگر جلوی رنگ خارجه گرفته شود رنگ ثابت

را خود مملکت تهیه می کنند و کفایت هم میکند و آن پولی که برای خرید جوهر یا

رنگ ثابت بخارجه می رود بخرج خود رنگ های ثابت که در داخله درست می شود میرسد

مملکت هر چه دارد باید بهمان بسازد و اگر ندارد استعمال نکنند ما نباید در استان

بلور جای بخوریم . چون نداریم و باید در کاسه گلین جای بخوریم که داریم اصلا ما

نباید جای بخوریم نباید قند بخوریم چرا ؟ چون نداریم هر وقت داشتم می خوردیم باز

ممکن است بفرمائید جلوی تجارت را نمی شود گرفت . آیا آنقدر که آنها

مال التجاره فرستادند شما در مقابلش چه فرستادید ؟ هیچ . صادرات که نداشتید

همش پول دادید بولتان هم بکلی تمام شد و از بیخ رفت حالا بول هم ندارید دیگر

چه خواهید کرد ؟ بیش از این در کليات مبالغه نمی کنم ولی می گویم این مالیاتی

که میخواهند قرار بدهند اگر مراد انتفاع است باید بهمه قالبهای ثابت و غیر ثابت

قرار بدهیم ولی میدانم مراد انتفاع نیست . لابد برای جلوگیری از قالی جوهری است

اما راجع با آزادی البته باید حالا آزاد باشد چرا ؟ چون الان جنس جوهری خیلی

موجود است چون آن دهاتی بدبخت که نفهمیده و رفته رنگ خریده و قالی بافته است

و نمی دانسته که چقدر این جوهر هم بفروش وهم بتجارت مملکتش لطمه اواد می آورد

ضرر هر چه بشود با آنها است و تاجر ضرر نمی دهد و اینکه صد بیست یا صد سی هم

قرار بدهند باز ضرر با آنهاست و تاجر بقران هم ضرر نمی دهد ضرر مال صنایع

است منتهی تاجر وقتی دید در گمرک زیاد می گیرند ارزان تر می خورد صانع هم هوام

است و نمی فهمد می خواهد زودتر قالی اش را بیاورند و بفروشند این هم بیکراهی برای

فناشدن ما است چون الان تاجر بار بار خروار خروار جنس جوهری دارند چه بکنند ؟

غدغن که نمی شود کرد البته باید آزاد باشد و برود ولی باید يك طریق قطعی اتخاذ

کرد که دیگر جوهر صرف نشود و اگر آقایان می فرمایند جوهری و قالی جوهری

فرق ندارد خیلی خوب اگر فرق ندارد چرا ثابت نباشد؟ ثابت باشد که بهتر است احتمال دارد رنگ غیر ثابت را بد بیافند ولی رنگ ثابت را بهتر و با دوخت تر بیافند در خرج هم فرقی نمی کند تا رو بود و در شته همان است منتهی در رنگ فرق دارد و رنگ ثابت قدری زیاد تر زحمت دارد ولی ضرر دیگر ندارد و بقیه بنده باید ترتیبی قرار داد که بکلی استعمال رنگ جوهری موقوف شود و وارد نشود حالا دولت با سایر و کلا یا هر کس اگر يك راهی می تواند پیدا کنند که دیگر استعمال جوهر نشود و تجارت ترقی کند پیدا کنند ولی حالا که استعمال شده و آن بدبخت دهاتی هوارفته و خرید و نهفته کار کرده یا با تاجر فروخته است باید بخارج برده و فروخته بشود نمی هود بماند و یا بمال شود حالا که ساخته شده باید برود چاره دیگر نیست ولی باز عرض می کنم که باید جلوگیری کرد که ابداً رنگ ثابت و غیر ثابت هیچکدام وارد نشود و این مالیاتی هم که برقرار شده چون برای رفع رنگ جوهر است غیر کافی میدانم و باید زیاد تر بشود چون با صد چهار ترک استعمال جوهر نمی شود و باید کاری کرد که استعمال نشود و وارد نشود و اگر من می دانستم با این صد چهار یا صد هشت ترک استعمال رنگ جوهری می شود عرضی نداشتم ولی چون می دانم با این مقدار ترک نمی کنند عرض می کنم باید زیاد تر بشود تا بکلی ترک بشود (بعضی از نمایندگان احسن احسن)

رئیس - چون در ماده اول رای گرفته نشد باید برای بکیرم قرائت میشود (ماده اول به شرح ذیل قرائت شد)

خروج کلیه قالیهای ایران خواه رنگ ثابت داشته باشد خواه غیر ثابت آزاد است .

محمد هاشم میرزا - بنده عقیده ام این است که باید تفصیح بشود ثابت آزاد باشد و غیر ثابت هم تا پنج سال آزاد باشد

رئیس - چطور تفصیح کنیم؟ خوب است پیشنهاد بفرمائید

محمد هاشم میرزا - رنگ ثابت یا غیر ثابت تفصیح بشود و در هر کدام جدا گانه اخذ رای شود

رئیس - اول رای میگیرم که خروج قالی ثابت رنگ باید آزاد باشد پانه

آقا سید فاضل - این فقره محتاج برائی نیست و اصلی است

رئیس - معذک باید رای گرفت آقایانی که آزادی خروج قالی ثابت رنگ را تصویب می کنند قیام فرمائید (با اتفاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رای میگیرم که خروج قالی غیر ثابت آزاد باشد یا . . .

محمد هاشم میرزا - بنده پیشنهاد کردم پنجسال مدت معین شود رئیس - کجا است آن پیشنهاد هنوز که نرسیده است

محمد هاشم میرزا - فرستادم - پیشنهاد کردم که تا پنجسال آزاد و بعد ممنوع بشود حالا کی باید رای داد و چه وقت پیشنهاد بنده مور پیدا می کند بنده نمی دانم خوب است بفرمائید

رئیس این پیشنهاد راجع بماده دوم و سوم است

محمد هاشم میرزا - ولی مربوط باین ماده است . اجازه بفرمائید توضیح بدهم که

رئیس - رای می گیرم آقایانی که خروج کلیه قالی های غیر ثابت را تصویب می کنند قیام فرمائید (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد آقای سالار معظم بماده دوم مخالفتند یا موافق ؟

سالار معظم - بنده مخالفم

محمد هاشم میرزا - بعد از اینکه رای دادیم آزاد نیست موضوع ماده دوم و سوم چه می شود ؟

رئیس - ماده دوم را حذف کنید مخیر - تصور می کنم راجع باصل این لایحه مطابق مقصود کمیسیون و نظریات وزارت تجارت که این لایحه تهیه شده وجود ماده دوم لازم است و نمی تواند حذف شود مگر این که لایحه را دو باره به کمیسیون رجوع فرمائید و در آنجا مجدداً تجدید نظر شود .

رئیس - چون آقای مخیر تقاضا می کند بر حسب مفاد نظامنامه لایحه مراد چه می شود بکمیسیون . راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع با تمیاز نرخ های پستی مطرح است .

حائری زاده - پیشنهاد میکنم بنده برای اصلاح ماده اول پیشنهاد کرده بودم مصلحت نمی دانید مطرح شود

رئیس - مگر ملاحظه نفرمودید که بر حسب تقاضای مخیر به کمیسیون برگشت . مذاکرات در کلیات است آقای آقا سید یعقوب .

(اجازه)

آقا سید یعقوب - در ضمن این راپورتی که کمیسیون معترض قوانین مالیه راجع با زیاد نرخ پستی یعنی کاغذ های سفارشی و غیر سفارشی و معمولات پستی تقدیم مجلس کرده است بنده مطلقاً در ازدیاد و موضوع مالیات جدید مخالفم بجهت اینکه تا صورت عایدی مملکت جزء بجزه مجلس نیاید و نمایندگان از آن مستعضر نشوند و ندانند . چقدر عایدی داریم و چقدر خرج در مقابل داریم و کسر دخل چقدر است بنده نه بر حسب عقیده نه بر حسب مصلک

و نه بر حسب ادراکات خود نمی توانم برای وضع مالیات حاضر بشوم زیرا اگر بنده بخواهم در این باب رای بدهم رأی بر چیزی مجهولی خواهد بود زیرا هیچ نمی دانم جمع مملکت چقدر است و چه مقدار عاید دولت شده و بجز مملکت میرسد . ولی آنچه مسلم است و بنده می دانم این است که توده ملت تمام مالیات خودشان را به دولت میپردازند و ابداً چیزی از عاوند دولت نزد مردم باقی نمی ماند و تا حالا هیچ دیده نشده است که در کتاب یا تاریخی نوشته شود ملت ایران از تأدی مالیات سرپیچی می کند بنده کار ندارم که در طهران اشخاصی هستند که بگردن کلفتی مالیات دولت را نمی دهند ولی اساساً باید دانست که توده مالیات دهندگان یعنی زارع یا کاسب و اگر افراد قوی در مرکز پیدا شوند که از تأدی آن استنکاف ورزند ربطی بملت ندارد و این تحمیلانی که در این دوره انقلاب از اول مشروطه تا حال بر مردم شده همه را میدهند بقل بعضی بنده کرور و بعضی دیگر شصت هفتاد کرور بمناوین مختلفه بر مردم تحمیل شده و از آنها گرفته می شود با این ترتیب هیچ نمی دانم این عواید و این مالیات های مستقیم و غیر مستقیم و عواید نطف و غیره کجا می رود و چه می شود و با این تحمیلانی که از هر قبیل بر مردم می شود معذک متجاوز از ۳ ماه است بعد لایحه حقوق نرسیده وزارت معارف هفت هشت ماه است حقوق طلب کار است وزارت داخله همین طور و هیچ معلوم نیست این پول ها چه می شود در صورتی که اصل حقوق همین است و آن چیزی که ما باید بیشتر از همه چیز در او بحث و مطالعه کنیم همین مسئله عایدی است آقای وزیر پستی و تلگراف که برای راحتی مردم بر پاکت پستی و ملتسه سفارش و معمولات وضع مالیات می کنند پس خوب است عواید پستی و تلگراف را هم نشان بدهند الا بنده از آقایان دعوت می کنم که در کمیسیون هرایش تشریف آورده و ملاحظه کنند چطور فریاد تجار از دلیل و تبریز و بوشهر و استراباد بلند است و متشکی هستند که ما امانت به دستخانه سپرده ایم و پول همه را هم داده ایم قبض هم در دست داریم معذک یکسال و دو سال گذشته است و مال ما را نداده اند مقام معترض ریاست هم مخصوصاً در این باب جدیت کرده ولی اثری نمی بخشد و با این که تجار امانت به دستخانه می دهند حق الضمانه هم می دهند و قبض می گیرند معذک متجاوز از شش هفت ماه می گذرد و غرامت اموال مسروقه به تجار نرسد . آنوقت باز باید بیایم واضاه مالیات برای دستخانه تصویب بکنیم . بنده گمان می کنم همین اندازه که بر نرخ پستی اضافه کرده اند برای پستی

و چنانچه عرض کردم این يك تعمیلی نیست بلکه يك حقی است که اداره پست در مقابل يك مسئولیت و خدمتی که عهده دار آن است دریافت می کند این يك حقی است در مقابل خدمت و مثل مالیاتی که اداره پست بدهد یا وزارت مالیه از مردم می گیرد نیست اما آنچه راجع بپرداخت غرامت امانات فرمودند آقایان مسبقاً که يك اعتباری ببلخ چهل و سه هزار و کسری تازگی از طرف مجلس با اداره پست داده شده ولی متأسفانه بواسطه عسرت مالیه هنوز موفق باخذ آن از وزارت مالیه نگردیده البته هر وقت يك مساعدتی از طرف وزارت مالیه شد غرامت آن امانات پرداخته خواهد شد اما راجع باینکه فرمودند این تعرفه جدید بر عایدات اداره پست چیزی اضافه نمی کند خدمت آقایان عرض می کنم پس از مطالعه خیلی زیاد اولیای پست یقین بهم رسانند که این تعرفه عایدات پستی را خیلی زیاد می کند و معادل سی و پنج الی چهل هزار تومان در سال بر عایدات پست خواهد افزود و اینکه فرمودند اگر تعرفه گمرکی بیشتر باشد در عوض پاکت و معمولات کسر خواهد شد این تا درجه صحیح است ولی امروزه معمولات پستی بهدائل آنچه تصور میشود رسیده است و دیگر کمتر از این نمی شود حدی برایش فرض کرد بطوری که این پاکت و معمولاتی که امروزه فرستاده و حمل میشود اگر دو فران باشد قران هم فرضاً بر نرخ آن علاوه شود باز حمل خواهد و طوری نیست که باین مختصر تعرفه نقصانی در این مقدار پاکت و معمولات حاصل شود . این است چایارخانه ماهی هفت تومان حقوق می گرفت ولی امروزه هیچده تومان می گیرد . در چند سال قبل يك اسب روزی ۳ قران خرج داشت ولی امروز هفت هشت قران خرج دارد . از یک طرف مخارج اداره زیاد شده از طرف دیگر عواید اداره کمتر از سابق شده باین معنی که راه شمال بقریب تقریباً مسدود است و دخل همده که دولت در سابق داشت از طریق امانات بین المللی و مرادان پستی از طرف شمال بخارج بود از يك طرف این راه مسدود است از طرف دیگر تجارت تقریباً در مملکت فلج شده و باطنیه عایدی دستخانه کمتر شده و مخارج زیاد . بطوری که اداره پست تقریباً ماهی ده هزار تومان برای کسر عایدات خود از دولت می گیرد و چون خزانه دولت هم قدرت پرداخت این ماهی ده هزار تومان را ندارد تقریباً سرویس های پستی دچار سختی و فلجی شده است و بیم این میروم که عنقریب لنگ شود . این است که اداره پست خودش را مجبور دید که بواسطه تعرفه جدیدی قدری بر عایدات خود بیفزاید

این ترتیب بطوریکه آقای وزیر هم معتقدند عایدی داشته باشد .

ولی برخلاف آن خبریست که عرض کردم اساساً در موقعیکه دولت میخواهد مالیات وضع بکنند اول باید جمع خرج مملکت را بدانند و اگر آقای وزیر میدانند بنده از ایشان خواهش دارم دو کلمه در مجلس بگویند که عایدات مملکت فلان قدر است و خرج ما در مقابل این است و فلان مقدار کسر داریم و برای جبران این کسر از پست و تلگراف بفرمائید خودشان چهل هزار تومان بدهند و از فلان وزارتخانه پنجاه هزار تومان باید محل درست کنیم ولی وقتی که دولت جمع و خرج مملکت را نمیدانند و بفرمائید آقا سید یعقوب همه ادارات حتی خود مجلس هشت نه ماه است حقوقشان نرسیده با این وضع خیلی جای تعجب است که مجلس شورای ملی يك تحمیل جدیدی بر مردم بکنند مجلس شورای ملی با کمال نزاکت باید به آقایان وزراء بگوید تا بوجه عایدی و مخارج خودتان را بطور وضوح بمجلس نیاورید ما يك دینار مالیات نه بر مخبرات نه بر پست نه بر سایر چیزها تحمیل نخواهیم کرد و منتظریم ببینیم جمع و خرج مملکت چیست و دولت چقدر کسر دارد و اگر حقیقه کسر داشت آنوقت مجلس فکری خواهد کرد ولی اگر دولت کسر ندارد بیجهت چرا هر روز بر مردم تحمیل بکنیم ؟ در صورتیکه نمی دانم چطور می شود ؟

وزیر پست و تلگراف - یقین دارم نماینده محترم بر ارض من توجه نفرمودند عرض کردم این تحمیل وضع مالیات نیست . چنانچه مالی که يك بار بخراسان میفرستاید و در سابق بدیگری سه تومان می دادید امروز دوازده تومان باید بدهید البته این برای چنانچه مالی تحمیل است که چهار برابر سابق کرایه بدهید در اینصورت چه توقعی از دوائر پست دارید که امروز همان بار را با ضرر برای شما حمل کند دیگر اینکه اداره پست هیچوقت خدمت سر کار نمی آید و شما نمی گوید حتماً با رتار را توسط من حمل کنید شما خودتان معمولات پستی خود را با اداره دستخانه میفرستید

در این صورت دستخانه هم با مسئولیت بزرگی که بر گردن دارد باید حقی بگوید برای آسایش و رفاه حال مردم . چه اداره پست بالاتر است که پاکت شما را با قصبی بلا در مملکت و بسرحد مقصود میرساند و وصول آن را با صاحبش را تضمین می کند . منتهی در مقابل این خدمت و مسئولیت بزرگ از شما تقاضا دارد با گرانی مخارج در عرض شش ماهی هفت هشت ماهی بدهید زیرا باید طوری باشد که برای اداره پست هم مقدور باشد پاکت و معمولات شما را با مقصد رساند و این مسئولیت را عهده دار گردد . اگر میفرمائید با این مسئولیت بزرگ سرویسهای پستی

بخواهد و لنگ شود بسیار خوب این يك راهی است ولی اگر این نظر را ندادند و می خواهید دولت معمولات شما را بقصد برساند باید سعی کنید این نقصان رفع شود مخارج امروزه غیر از مخارج ده سال قبل است در سه ۱۳۳۰ و ده سال قبل يك تعرفه از مجلس گذشته ولی مخارج ده سال قبل خودتان را با مخارج امروزه بسنجید و مقایسه کنید ببینید چقدر فرق کرده است . چنانچه عرض کردم راه شمال که شاهراه ایران به خارجه بود حالا مسدود است اداره امانات بین المللی بسته شده و امانات بخارجه نمیرود و نمی آید . در سال متجاوز از دو پست هزار تومان عایدی پست از امانات بین المللی بود که از روسیه می آمد و حالا که بسته شده دیگر این عایدی را نداریم . دیگر اینکه اگر نگاه کنید تعرفه های که در ممالک خارجه ملاحظه خواهید فرمود که در بعضی جاها پنج برابر و در بعضی جا های دیگر شش برابر افزوده شده و ترقی کرده است در آلمان سی و دو برابر بر نرخ معمولات پستی افزوده شده و شما حاضر نیستید صد بیست و پنج بر نرخ پستی خودتان بیفزایید .

آقا میرزا محمد نجات - آلمان در چنگ بود .

وزیر پست و تلگراف - میفرمائید آلمان در چنگ بود و ما نبودیم ولی نباید غفلت کرد که تمام ضررها که از چنگ وارد شده خیلی بیشتر بما وارد آمده با این حال چه مالیاتی دولت می خواهد وضع کند ؟ چنانچه عرض شد نقصان عایدی پست نسبت به مخارج پستی متنها ماهی ده هزار تومان است و با این ترتیب اداره پست نمی تواند سرویسهای پستی را اداره کند خوب است محل این ده هزار تومان کسر را برای ما معین کنید یا بفرمائید خزانه این مبلغ را بما بدهد و تضمین بفرمائید همه ماهه وزارت مالیه این وجه را با ما برساند تا اداره پست هم با همان نرخ سابق این وظیفه را انجام دهد یا اگر نمی توانید بر خزانه دولت تحمیل کنید و وصول این وجه را با اداره پست تصویب این تعرفه کسر پست را جبران بفرمائید و امیدواریم در آتیبه نزدیکی اوضاع عالم بهتر شده از محللهای دیگر این کسر جبران شود والا امروز هیچ نمی شود و بنده با مسئولیتی که دارم عرض می کنم که اداره پست چهار يك فلاکت و پریشانی فوق العاده است در صورتیکه از هر نقطه نظر یکی از منظم ترین ادارات این مملکت اداره پست است حالا اگر در راه پستی را سرت کردند تصحیح اداره دستخانه نیست مادامی که راه در مملکت امن نیست اداره پست سعی می کند که پاکت و معمولات پستی را بدون آسیب بطوریکه

در نظامنامه پستی هم مقرر است با صاحبان برساند ولی اگر این نباشد و فرضاً در راه سرت شود تقصیر اوضاع مملکت است و اداره پست تقصیری در این موضوع ندارد

رئیس - در کلیات مذاکرات کافی است پانه ؟

(جمعی گفتند کافی است - بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - رأی میگیرم که مذاکرات در کلیات کافی است یا نه . آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمائید (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - نرخهای حقوق پستی مقرر در مواد شانزده و هیجده و سی و يك و سی و پنج قانون پستی مصوبه یازدهم رمضان مطابق پنجم اسد ۱۳۳۲ و هر گونه اشاره و اغغاری که در سایر مواد قانون مذکور راجع بترخهای مذکور شده است منسوخ و بجای آنها نرخهای ذیل مقرر میشود

(۱) پاکت های متعارفی هشت شاهی از دو متقال یا کسر متقال اول و چهار شاهی از هر متقال یا کسر متقال اضافی

(ب) کارت های پستی چهار شاهی از سکاوت ساده و هشت شاهی از کارت با جواب

(ج) پست معلی چهار شاهی از هر دو متقال یا کسر متقال اول و دو شاهی از هر متقال یا کسر متقال اضافی

(د) حق سفارش يك قران از هر مرسله سفارشی یا بیمه شده یا مراسلات مخصوصه .

(ه) ملتسه سفارشی ده شاهی از هر ملتسه و این مبلغ علاوه بر يك قران نرخ سفارشی است

(و) مطالبه نامه ده شاهی از هر درخواست و مطالبه نامه راجع به يك مرسوله در صورتیکه نرخ ملتسه سفارشی داده نشده باشد

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب حاج میرزا عبدالوهاب - بنده در ضمن شور در کلیات میخواستم عرض کنم ولی حالا در ماده اول عرض می کنم که اداره پست ممکن است برای میزان کسر خود عملیات دیگری بنماید اولاً مطابق آنچه را که منتشر است آقای وحید الملک برای

توازن جمع و خرج دوقره علیاتی نموده اند که قابل تقدیر است و تقریباً می توان گفت که جمع و خرج مساوی شده گذشته از این عرض میکنم تمام این مخارج را که می فرمایند و این کسری که متعقدند راجع به این اداره حمل و نقل است و ممکن است حمل و نقل را بترتیب سابق قرار دهند که اینهمه کسر نداشته باشند.

بعلاوه بنده آن فرمایشاتی را که آقای آقا سید یعقوب فرمودند تأیید می کنم در مجلس چهل و سه هزار تومان برای دادن غرامت پستی بصاحبانش تصویب شده در صورتیکه چند نفر همدانی هستند که اموال آنها سرفت شده و برای اخذ غرامت اموال خود بطهران آمده بودند و هنوز چیزی با آنها داده نشده و بلا تکلیف مانده اند و عقیده بنده این است که اگر آقای وزیر جلو گیری از اختلاسات نکنند خیلی موقع است نمایانم که چیز هائیکه در روزنامه ها نوشته می شود صحیح است یا خیر؟

مثلاً می نویسند بیست و چهار هزار تومان ابراهیم کلیمی برده و سی هزار تومان معتمد الوزراء اختلاس کرده خوب است رسیدگی کنند اگر راست است این وجوه را از آنها مسترد بدارند و اگر هم کذب است رسماً در روزنامه تکذیب کنند و بنویسند که این فقرات که باشخاص نسبت می دهند خلاف واقع است و تا این کارها درست نشود بنده عقیده ندارم که بترخ پستی چیزی اضافه شود.

اداره پست متوقفتند که مساعدتهائی با آنها بکنند مثلاً از باب رستم که راه قم و اصفهان را دارد از بار سال قریب پنج شش هزار تومان با داده پست بنده کار و مقروض است و الان هم اینجا هست و هشت هزار تومان برای خرید بلیط اسسال از مساعدت میخواهد در صورتیکه بنده هفتصد تومان هم بیکمرد الان قریب یکماه است که از ما پول میخواهد و ما متأسفانه نتوانسته ایم با مساعدت کنیم چرا اینطور است؟

برای اینکه اوضاع مملکت اینطور تافاناً دارد از یکطرف معمولات کم است و از طرف دیگر مخارج عظیم و چیزهای دیگر زیاد است و برای صدق عریض بنده آقایان می توانند در خارج خود بطهران آمده بودند و هنوز چیزی با آنها داده نشده و بلا تکلیف مانده اند و عقیده بنده این است که اگر آقای وزیر جلو گیری از اختلاسات نکنند خیلی موقع است نمایانم که چیز هائیکه در روزنامه ها نوشته می شود صحیح است یا خیر؟

مثلاً می نویسند بیست و چهار هزار تومان ابراهیم کلیمی برده و سی هزار تومان معتمد الوزراء اختلاس کرده خوب است رسیدگی کنند اگر راست است این وجوه را از آنها مسترد بدارند و اگر هم کذب است رسماً در روزنامه تکذیب کنند و بنویسند که این فقرات که باشخاص نسبت می دهند خلاف واقع است و تا این کارها درست نشود بنده عقیده ندارم که بترخ پستی چیزی اضافه شود.

اما این که می فرمایند تکمیل نیست تصور کرده اند اهالی مملکت منحصر بچند نفر تجار و ملاک نوراول هستند و بانی مردم را گما تصور نموده اند که ابتدا کاغذ نمی نویسند خوب است در وزارتخانه خودتان تحقیق فرمایند که آیا این همه یا کات که با داده پست داده می شود تمام متعلق بتجار و ملاکین نوراول است یا سایر مردم هم در این امر شرکت دارند می فرمایند این دو شاهی علاوه چیزی نیست و تکمیل نمی شود بنده عرض می کنم همین دو شاهی تکمیل است کدام تکمیل از این بالا تر که از هشت شاهی دو شاهی اضافه شود پس آقای وزیر پست و تلگراف اسم این اضافه را چه می گذارند؟ بعقیده بنده تکمیل است وزیر پست و تلگراف - این که نماینده محترم می فرمایند هر اداره و وزارت خانه سعی می کند مستقل باشد و با عرض می - کنم در تمام این ادارات پست و تلگراف اداراتی هستند که مستقل مشغول جمع و خرج خودشان می باشند فقط در بعضی جاها نقصان عایدات این دو اداره را از خزانه دولت جبران مینمایند ولی در اغلب ممالک طوری ترفه و نظامات پست و تلگراف را تدوین می کنند که تعادلی مابین جمع و خرج حاصل می شود در هیچ کجای دنیا پست و تلگراف متوقع عایدی زیادی نیستند ولی از طرف دیگر هم مردم نباید منتظر باشند که دولت از خزانه خود مخارج حمل معمولات پستی آنها را بدهد و تکمیل بر خزانه مملکت نماید.

قسمت را تقریباً تکذیب کردند لکن چنین شهرت داشت که کسر مخارج پست بواسطه اداره حمل و نقل است و آن اداره است که سالی صد و پنجاه هزار تومان کسر عمل دارد و اخیراً بودجه آن ضمیمه بودجه اداره پست شده است حالاً اگر حقیقتاً همین طور باشد یعنی این کسر بواسطه اداره حمل و نقل باشد بنده نمی توانم تصدیق نمایم که این کسر تکمیل بمردم شود. بلی آقای وزیر پست و تلگراف یک معایبی ذکر کردند که اگر ما این اداره حمل و نقل را باشخاص بدهیم شاید کار نکنند و پست حمل نشود ولی بنده تصور نمی کنم این طور باشد زیرا سابقاً که دولت حمل و نقل نمی کرد و اشخاص دیگری متصدی این کار بودند اوضاع حمل و نقل از وضع فعلی اگر بهتر نبود بدتر هم نبود در هر صورت بنده نمی دانم ضرر این کسر را دولت با این سرمایه یک میلیون که در راهها دارد چرا باید تحمل نماید؟ و بعقیده بنده خود دولت می تواند از عایدات همین مملکت سرمایه جبران خسارت خود را بشاید در هر صورت هر وقت بودجه وزارت پست و تلگراف در مجلس مطرح شد آنوقت معلوم می شود که آیا اداره پست کسر دخل دارد یا خیر؟ یک قسمت فرمایشاتی هم که راجع بامانات مسروقه فرمودند بنده در این جایک اعتراض اساسی با اداره پست دارم و تصور می کنم اداره پست تا بحال یک عمل خارج از وظیفه نموده است زیرا وقتی یک امانتی را بیه می کنند باید توجه بیه شده را در صندوق جدا گانه بگذارند زیرا این حق برای این است در موافقی که این امانات بسرقت می رود در عوض امانات بصاحبان آنها داده شود در صورتی که تا بحال اداره پست این حق را از مردمی گرفته و بصافه متفرقه میرساند است و همیشه مردم از این جهت متظلم بوده اند و در آخر هم وزارت پست بکوره مجلس تقدیم می نماید مقداری برای جبران این مسروقات اعتبار می خواهد بعقیده بنده این ترتیب برخلاف اصول اداری و برخلاف فرمایشاتی می باشد زیرا حق الضمانه برای جبران اموال مسروقه است که دولت اگر بتواند آنها را از مسروقتین مسترد دارد و از وجوه حق الضمانه غرامت آنها را پرداخت نماید بنا بر این اینکه آقای وزیر پست و تلگراف در اینجا تشریف دارند عرض می کنم که قانون مملکت و هر قانونی که در دنیا وضع شده است اداره پست و تلگراف را ملزم می کند که حتماً این اصل را در نظر بگیرد و آقای وزیر هم باید بعداً قفسن نمایند که این اصل کلی را اداره پست اجرا نماید و در هر صورت مخالفت بنده با این لایحه از نقطه نظر بودجه است زیرا تا صورت دیگر محتاج نخواهیم بود یک تکمیلی بمردم بشناسیم. بعلاوه این کسری که گفته می شود گرچه آقای وزیر این

دریافت دارند و البته در صورتی که معلوم شده حقیقتاً اداره پست کسر عمل دارد رأی خواهم داد که هشت شاهی را ده شاهی بگیرند ولی فعلاً با این لایحه نمی توانم موافقت نمایم

آقا سید محمد صادق طباطبائی - (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) عریض بنده گمان می کنم تا یکدرجه تکرار مکررات باشد زیرا آقای وزیر پست و تلگراف کاملاً از نظریات خود دفاع نمود و شرح مفصلی بعرض مجلس شورای ملی رسانیدند ولی ناچاراً مجبورم برای اینکه نظر کمیسیون را از تصویب این لایحه بیسان نمایم دوسه کلمه عرض می کنم بنده منتظر بودم نظریات آقایان مخالفین چیست تا اگر مسئله باشد جواب عرض کنم ولی حالاً کما غلب آقایان فرمایشاتی فرمودند جواباً عرض می نمایم یک قسمت اعتراضات بر اداره پست و بودجه پست بود که آنها با کمیسیون قوانین مالیه نیست بنا بر این دفاعش هم با بنده نخواهد بود دفاع بنده مختصراً در حدود این لایحه خواهد بود در موقعی که این لایحه در کمیسیون مطرح شوی بود بنده مخالف بودم و تا چندی هم با جدیت مخالفت می کردم ولی دلایلی که آقای وزیر پست و تلگراف در کمیسیون اظهار کردند و توضیحاتی که تخصصیاً فعلی وزارتخانه در کمیسیون دادند کمیسیون را قانع نمود و در نتیجه کمیسیون تا این درجه موافقت نمود و این راپورت را تصویب و تقدیم کرد اگر آقایان لایحه دولت خدمتشان باشد و ملاحظه فرمایند خواهند دید که ما بین راپورت کمیسیون و لایحه دولت خیلی اختلافات و تفاوت است بعضی اضافات را کمیسیون حذف نموده یعنی اضافاتی که جنبه تجارتهای داشته و مربوط بمنافع عمومی بوده است از قبیل کتب و جراید و غیره کمیسیون قبول ننموده و در باقی دیگر هم نصف آنها را که دولت پیشنهاد کرده بود تصویب نمود دلایلی که کمیسیون در تصویب این لایحه دامت تقریباً همان دلایلی بود که احتمالاً آقای وزیر پست و تلگراف بیان فرمودند وزارتخانه یک مخارج خیلی زیادی دارد در مقابل مخارج عایداتش تکافونی نماید و این مسئله قهرالطبعه با تنظیم اداره پست وارد می آورد باید کسری عایدات را از راه دیگر جبران نمود یا با پستی از خزانه دولت پرداخت و یا اینکه اضافاتی بر قیمت معمولات قائل شد وزارت پست و تلگراف اگر دولت تهدد کند این کسر عمل را بدهد حرفی ندارد که این لایحه را مسترد نماید ولی در کمیسیون مذاکراتی شد و اغلب آقایان اعضاء کمیسیون تصدیق می نمودند که کمیسیونی مالیات نواقف فلان شهر و قصبه خرج پست و کمک خرج آن بشود بلکه باید همان اشخاصی که با اداره

پست کار دارند متحمل گردند بنا بر این باید مهال ممکن مخارج اداره پست را از عایدات خود آن اداره تأمین کرد این بود که این لایحه را کمیسیون تصویب کرد و حتی رؤساء پست اظهار کردند ما این ترتیب را سابقاً بوقوع عمل گذارده ایم و لطمه و سکنه بر معمولات پستی وارد نیامده زیرا بنده عقیده داشتم که اضافه نرخ باعث کسر معمولات خواهد شد ولی یک اسناد و احصائیه به کمیسیون ارائه دادند ثابت نمودند که کسر و نقصانی در معمولات ایجاد نخواهد شد کمیسیون هم قبول نمود که این ترتیب یک امتحان ثانوی بشود اگر نکشتی پیدا شد می توانیم این قانون را مجدداً عرض نمایم ولی خود وزارتخانه یقین دارد که نکستی حاصل نخواهد شد از نقطه نظر اینکه این اضافات مالیات است یا خیر؟ در این زمینه هم خیلی گفتگو شد از طرف وزارتخانه اینطور اظهار شد که اگر چه این اضافه از طرف دولت گرفته می شود یک قسم مالیاتی است که در مقابل حمل امانات صاحبان امانات گرفته می شود حالاً چه فرق می کند؟ متصدی این کار دولت باشد یا تجارخانه دولت هم وقتی پول می گیرد یک اجرتی است در ازای رسانیدن یک پاکتی از نقطه به نقطه دیگر مملکت و بالاخر در نتیجه تمام این مذاکرات کمیسیون قانع شد که یک مقداری بر کرایه امانات پستی افزوده شود تا ببینند آیا وزارتخانه از این راه استفاده می نماید یا خیر و بطوری که در کمیسیون حساب شد این اضافه کسری مخارج اداره پست را تکافو نمی نماید در خصوص بقیه آنها هم وزارت پست یا سایر رؤسائی که همراه ایشان بودند اظهار نمودند در آن خصوص هم نظرهای می کنم و از راه دیگر یعنی همانطور که گفته شد از راه حمل و نقل و ادارات دیگر صدوشصت یا هفتاد دیگر راه پیدا خواهیم کرد و بعلاوه اظهار داشتند اگر این اضافه تصویب نشود دولت باید این کسر عمل را از محل دیگری بپردازد بنا بر این آقایان باید موافقت فرمایند که مقداری از این کسر را اضافات اجرت پستی تأمین نماید و اگر در این خصوص تردیدی دارند و محتاج اطلاعاتی هستند ممکن است از وزارت پست و تلگراف اطلاع خواسته و توضیحات کاملتری به خواهند تا بعد از روی بصیرت و اطلاع رأی بدهند و بدون اطلاعات همیقه رأی نداده باشند و اگر در مجلس کافی نمی دانند ممکن است در خارج کسب اطلاع نمایند چون تصور می کنم همه زیادی از آقایان مخالف هستند و می خواستند در کلیات اظهار مخالفت نمایند ولی رأی بکافی بودن مذاکرات گرفته شد این است که بنده عرض می کنم اگر کاملاً در اطراف و عواطف این

رایورت دقت فرمایند و جمع و خرج اداره پست را بنسبید؟ تصدیق خواهند کرد که اداره پست کسر خرج دارد و محتاج به یک عایدی جدیدی می باشد و اگر این اضافه تصویب نشود اداره پست مجبور است از صندوق مالیه کسر خرج خود را بگیرد و صندوق مالیه هم بواسطه تضییقات مالی نمی تواند بپردازد بنا بر این شکنی نیست که اداره پست کسر عمل دارد حالاً این کسر عمل چقدر است بنده تحقیقاً نمی دانم. این بود نظریات کمیسیون قوانین مالیه در اطراف این لایحه

رئیس - مذاکرات در ماده اول کافی است یا نه؟

(بعضی گفتند کافی است)

محمد هاشم میرزا - مینترسم اگر رأی گرفته شود

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی مخالفت؟

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - موافقم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده در تحت نظر مخالفت در کلیات عریضم را عرض کردم حالاً در این ماده هم می خواهم نظر آقای وزیر پست و تلگراف را متوجه گردانم که اساساً بنده تصدیق دارم اداره پست بهتر از سایر ادارات است و اینک که فرمودند عایدات اداره پست به مخارجش کم هست مأمورین اداره پست نه چنان با وجود مجلس شورای ملی فشار بمردم وارد می آورند که بتوان شرح داد هر روزه یک مقداری شکایات از مأمورین بکمیسیون عریض می آید که یک دولایحه بزرگی راپر نموده است و جوابهایی هم که وزراء می دهند سارا چندان قانع نمی نماید ما اطلاع داریم سابقاً که اداره حمل و نقل نبود پستی ما خیلی مرتب بود و مخارج خود را هم تحصیل می کرد حتی مخارج دیگری از قبیل بعضی مواجب ها راهم پستخانه می داد. کاغذ از طهران بشیراز بیست و یک روزه میرفت و جواش بر می گشت تا کرمان کاغذ بیست و پنج روزه میرفت و می آمد. ابتدا کسر خرج و نقصان هم نداشت همان شعبه حمل و نقل را که می فرمایند برای سایرین مترس قرار داده ایم که بتوانیم این قسمت را اداره نمایم بنده عرض می کنم از همان مترس می ترسیم بنده چون مسافرت کرده ام از همین اداره حمل و نقل خبر دارم و می دانم چه اختلاساتی در آن اداره می شود و چه کارها می شود که برای دولت فایده نمی کند ما این که فرمودند در مالک دیگر دنیا هم نرخ پستی اضافه شده است بنده عرض می کنم آنها چنگ کردند ما با کی چنگ کردیم؟ آنها چنگ کردند منافع بردند یا ضرر کردند دلیل نمی شود که

مأمورین پستی مان یک مبلغ اضافه نمایم بر روزه هم در موقعی که بودجه عدلیه مطرح بود عرض کردم وزرای مالول که می خواهند بودجه بنویسند مطابق الفاظی که در مملکت ما متداول شده است از قبیل مدیر اداره پرسنل و غیره بودجه می نویسد بعد ملاحظه می کنند مخارج از هوائی زیادتر است آنوقت چه می کنند؟ لایحه اضافه مالیات مجلس می آوردند خودتان می فرمایند اداره پست یک اداره تجارتهای است اگر اینطور است اداره تجارت در صورتی که عایدات نداشته باشد لافلا مخارج خود را باید کسر نماید و باید بهمان اندازه که عایدی دارد مخارج داشته باشد مخارج زیادی را باید حذف نمود و چیزی بر اجرت پستی نباید اضافه نمود

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اولاً در اطراف ماده اول که راجع باز زیاد هوائی پستی است آقایان نمایندگان در اطراف اداره حمل و نقل صحبت می کنند و بعلاوه تصور کرده اند این اضافه اجرت پستی مالیات است در حالی که اسم عایدی اداره پست و تلگراف و آنچه بهیچوجه نمی شود مالیات گذارد زیرا در مقابل این که یک پاکتی که می گیرند و از نقطه بنقطه دیگر حمل می نمایند یک حقی می گیرند اداره حمل و نقل هم با اداره پست هیچ فرق ندارد فقط تفاوتش این است که اداره پست تعلق بدولت دارد و اداره حمل و نقل یک قسمتش متعلق بسایرین است آقای آقا سید یعقوب عقیده شان این است که صورت سید یعقوب عقیده شان این است که صورت دخل و خرج بمجلس بیاید و افلامی که اضافه دارد حذف نمایم و بعد از خرج و تعدیل به بنییم آیا با جادارد بر اجرت پستی علاوه نمایم یا خیر؟ اولاً باید دانست که صورت عایدات مملکت بکمیسیون بودجه فرستاده شده است بودجه وزارتخانه هم ارسال شده است یکی دو بودجه هم از کمیسیون گذشته و در مجلس مطرح شده و بقیه هم در تحت طبع است و در حقیقت خرج و دخل مملکت معین شده است آقایان تصور کرده اند که ما با اندازه مخارجمان عایدات داریم بنده هم میل دارم همین طور باشم ولی بسیار متأسفم عرض کنم اداره پست محتاج بیک اضافاتی می باشد محض اطلاع آقایان عرض می کنم موافق صورتی که بکمیسیون قوانین مالیه آوردند اداره پست یکصد و بیست هزار تومان کسر عمل دارد پنجاه هزار تومان از این کسر را تصور کرده اند اداره پست جنوب که به تصرف ایران خواهد آمد جبران خواهد نمود از هفتاد هزار تومان بقیه هم چهل هزار تومان آنرا از اضافات پستی دریافت خواهند داشت معتقدند که اگر سی هزار تومان دیگر اضافه نشود این مبالغ را از خزانه دولت دریافت دارند بنده نمی فهمم من وزیر

عمر و که بیستانه کاغذ می‌دهیم تفاوت آن را دیگران چرباید بیردازند ؟ مالیاتی که در مملکت داده می شود برای مصارف دیگر است نه برای فرستادن کاغذ هر روز به عقیده بنده هر کس کاغذ به دست می دهد مخرج حمل آن را هم باید به دست می دهد آتش شامی ممکن بود سکاغذ حمل شود ولی امروز بواسطه از زیاد مخارج دانه پست نمی تواند با همان مبلغ کاغذ را حمل نماید و مجبور است بر نرخ پاکت علاوه نماید و گمان نمی کنم این نرخ پستی هم که علاوه می شود یک تعجیلی باشد زیرا همان طور که گفته شد اغلب مکاتبات از طرف تجار و بلائین است ضمایمی بضاخت هادر سال یکی دو کاغذ بیشتر با دانه پست نمی دهند مگر چهار شاهی هم از این راه علاوه دهند ضرر نمی کند بنابراین گمان می کنم با فقر روزی مقتضی نباشد که آقایان باین اضافه جزئی مخالفت کرده و تصویب نمایند.

ضمناً منظور نظر اولیای دولت و وزارت پست و تلگراف است بیانات متعارفی چیزی علاوه نکنند و بالاخره بنده بطور اجمال عرض می کنم در صورتی که دولت کسر دارد و باید هوائید دیگری تقاضا کند تا مجلس شورای ملی در آن خصوص اظهار عقیده کند.

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای سلطان العلماء رسیده چون راجع بدستور است قرائت می شود.

(بتفصیل ذیل قرائت شد)
مقام منیع ریاست محترم مجلس شورای ملی نظر باین که از قبایه مجلس استنباطی شود که باین لایحه اکثریت مجلس موافقت نخواستند نمود و نظر باین که شاید بعضی از دلایل عدم مخالفت عدم اطلاع آقایان نمایندگان از بودجه پست خانه است بنده پیشنهاد می کنم که این موضوع مسکوت ماند تا تکلیف بودجه پستخانه در مجلس معلوم شود.

رئیس - این لایحه در شور دارد فعلاً مذاکره در شور اول است.

وزیر پست و تلگراف - بودجه وزارت پست و تلگراف در کمیسیون بودجه است و بنده خیلی جدیت دارم که هر چه زودتر بودجه وزارت پست و تلگراف بگذرد و تکلیفان معلوم شود بودجه وزارت پست و تلگراف ساده ترین بودجه ها است و حقوقی که برای اجراء مواضع آن وزارت خانه برقرار شده کمترین حقوق مستقیمین دولت است و حد اعلائی حقوق ماهیانه مدیران رؤسای پست صد یا صدو بیست تومان است مثلاً رئیس پست آذربایجان صدو بیست تومان حقوق و سی تومان کمک خرج دارد رؤسای پست جاهای دیگر صد تومان نود تومان یا هشتاد تومان و یک حقوقانی است که اصلاً نمی شود کسر کرد به علاوه اداره پست یک زندگانی طولانی داشته است و شصت و سه سال است در ایران دائر شده و کاریر و دوره زندگانی اداری اغلب اعضاء آن زیاد بر بیست و پنج سال سی سال است و از حقوق آنها نمی شود چیزی کسر کرد و بودجه پست هم بودجه سنگین نیست که آقایان بتوانند چیزی از آن کسر کنند همین طور بودجه تلگراف و هر چه زود تر بودجه پست و تلگراف بمجلس بیاید و بگذرد برای ما بهتر است زیرا تکلیفان معین ولی چنانچه آقای رئیس فرمودند این لایحه دوخور دارد امروز شور اولش است و ممکن است آقایان شور دومش را بتأخیر بپندارند تا پس از تصویب بودجه رای بدهند.

رئیس - آقای سلطان العلماء پیشنهاد خود را مسترد می کنید؟
سلطان العلماء - بلی
رئیس - مذاکرات در ماده اول کافی

است یا خیر؟
(جمعی گفتند کافی است)
رئیس - ماده دوم قرائت می شود
محمد هاشم میرزا - بنده اشکال نظامنامه دارم اجازه می فرمائید؟
رئیس - بفرمائید
محمد هاشم میرزا - در ماده اول نوشته است قسمتی از نرخهای پستی که در سنه ۱۳۲۳ تصویب شده منسوخ خواهد بود تا وقتی که رای کلی نداشته ایم اگر بخواهیم باین ماده رای بدیم اشکال دارد خوب است این ماده را در آخر لایحه قرار بدهید.

رئیس - این راجع بکجای نظامنامه بود ؟
محمد هاشم میرزا - بعقیده بنده این اشکال وارد است
رئیس - بنده میسر هم اظهار نظامنامه راجع بکجا بود

محمد هاشم میرزا - عرض کردم اشکال دارم نه اظهار حالا اشکال بنده رفع شد
رئیس - ماده دوم (بتصرف آتی قرائت شد)

وزن بسته های مطبوعات با لقا محسوب شده و اکثر حد آن که اکان چهار صد مثقال است ولی اگر یک بسته فقط محتوی یک کتاب باشد تا شصت مثقال وزن نیز می توان قبول نمود. حدا کثرت وزن مستوره ها صد مثقال است

وزیر پست - در اینجا لازم است توضیحی داده شود تا بعد از این اشکال برطرف شود تا شصت مثقال هم ممکن است مثلاً اگر محتوی یک کتاب باشد که تا شصت مثقال هم وزن داشته باشد قبول می شود و از برای تسهیل حمل کتب چهار صد مثقال تبدیل بشصت مثقال شده است و دیگر اینکه وزن مستورجات هم امروز حدا کثرت هفتاد و پنج مثقال بود ولی بیست و پنج مثقال هم علاوه کردیم و صد مثقال قرار دادیم که تعجیلی بر مردم نشود

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)
آقای میرزا علی کازرونی - عرضی ندارم.
رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)
ارباب کیخسرو - بنده در این قسمت وزن کتاب را تا شصت مثقال معین کرده اند عرض می کنم ممکن است یک کتاب بیش از شصت مثقال که معین کرده باشد و نمی شود او را هم نصف کرد در اینصورت عقیده بنده این است اگر ماخذ وزن آن را آزاد بگذارند بهتر است.

وزیر پست - عرض کردم برای مطبوعات حدا کثر چهار صد مثقال بود ولی حالا هشتصد مثقال شده است بملاحظه این که ممکن است سنگین تر باشد برای حمل آنها شصت مثقال فرار داده شده و این مقدار هم برای وزن یک کتاب کافی خواهد بود.
رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)
رئیس - تصویب شده منسوخ خواهد بود تا وقتی که رای کلی نداشته ایم اگر بخواهیم باین ماده رای بدیم اشکال دارد خوب است این ماده را در آخر لایحه قرار بدهید.

مطبوعات حدا کثر چهار صد مثقال بود ولی حالا هشتصد مثقال شده است بملاحظه این که ممکن است سنگین تر باشد برای حمل آنها شصت مثقال فرار داده شده و این مقدار هم برای وزن یک کتاب کافی خواهد بود.
رئیس - چون در ماده دوم دیگر کسی اجازه نخواسته ماده سوم قرائت می شود.
(شرح آتی قرائت شد)
این قانون از یک هفته پس از تصویب بوقوع اجرا گذاشته شده و وزیر پست مسئول اجرای آن خواهد بود.

رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)
سدیدالملک - بنده در مواد قبل عرض داشتم ولی فرصت بدست نیامده حالا در این ماده وقت پیدا کرده ام عرض می کنم در ماده سوم نوشته وزیر پست مسئول اجرای این قانون خواهد بود. بنده سؤال می کنم آیا وزیر پست و تلگراف مسئول اصل ۲۲ قانون اساسی هستند یا نه؟ این اصل می گوید مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثناء می کند بنده از آقای وزیر سؤال می کنم چه علت پاکت هائی که بنده از کرمان داشته ام یا سایر نمایندگان داشته اند باز شده است؟
رئیس - این مسئله راجع باینجا نیست آقای حائری زاده.

حائری زاده - بنده این ماده را ناقص می دانم و عقیده دارم نوشته شود این قانون یک هفته پس از تصویب اجرا شود زیرا اهالی ولایات مسبق نمی شوند باید اعلان شود و پس از اعلان بیست روز فرجه داده شود آنوقت اجرا کنند تا اسباب زحمت اشخاصی که مراسله پست می دهند فراهم شود چندی قبل هنوز قانون از مجلس نگذشته خواستند اجرا کنند تولید زحمت کرده بود زیرا مردم مسبق نبودند و پاکتی را که داده بودند وقتی بمقصد می رسید جریبه مطالبه می کردند خوب است بعد از اعلان مدت معین شود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم.
رئیس - چون کسی اجازه نخواسته است بفرمائید.
آقا سید یعقوب - بنده عرض می کنم اجرای قانون باید مدت داشته باشد ولی در این قانون یک هفته پس از تصویب بوقوع اجرا گذاشته می شود در مملکتی که وسائل استخبارات محدود است این مدت برای اجراء کم است بنده پیشنهاد می کنم یکماه شود زیرا یک هفته خیلی کم است.

مخیر - کمیسیون فقط اعلان را قبول می کند ولی با همان یک هفته.
وزیر پست - بنده هم یک هفته را قبول می کنم.

رئیس - لفظ تصویب هم تبدیل به اعلان بشود.
مخیر - بلی یک لفظ دیگر هم باید اضافه شود باین ترتیب این قانون یک هفته پس از اعلان در هر جا بوقوع اجرا گذاشته می شود. لفظ در هر جا هم باید اضافه شود.
رئیس - شور اول این لایحه تمام شد باید برای بگیریم که شور ثانوی بشود یا نه؟ آقایانی که تصویب می کنند شور دوم بشود قیام بفرمائید.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شده. جلسه آینده فردا سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور آن مذاکره راجع بودجه عدلیه خواهد بود.
تدوین - بنده سؤالی از آقای وزیر پست و تلگراف راجع بوسیله ولیر دارم و مسبق هم هستند.
وزیر پست و تلگراف - بفرمائید حاضریم.

تدوین - متأسفانه هر قدر ما اصرار میکنیم یک موضوعی حل و تصفیه نشود در مقابل اثری پیدا نیست ولی معذالک بنده صرف نظر نمیکنم و تصور میکنم آقایان هم با بنده موافق باشند سؤال بنده راجع به ولیر است از قراریکه بنده شنیده ام در وزارت پست و تلگراف کمیونی تشکیل شده و هر روز رسیدگی بدوسیله و اعمال مسیو ولیر کرده اند و در یک قسمت از عملیات او که هجارت از مسئله تمبرهای بین المللی و تمبرهای بوشهر است رسیدگی نموده و رای برتی بهیشت دولت داده اند که بکسیونی که در دربار تشکیل شده داده اند نتیجه آن رای برت محکومیت ولیر است راجع به چند فقره تمبر یک فقره تمبرهای بوشهر است که با قیمت امروز معادل چهل و هشت هزار تومان است یک فقره دیگر راجع به تمبرهای بین المللی است که نرخ امروزه اش در اروپا (۱۸۹۴۶۷۷) فرانک و نود سانتیم است و از قرار فرانکی دو فران و صد و پنجاه و سه پول ایران (۳۹۷۸۸۲) تومان و کسری می شد کمیسیون اداری در رای برتی که به هیئت دولت فرستاده است این فقره را تصدیق کرده و از قراریکه شنیده ام در کمیونی که در دربار روز دوشنبه گذشته تشکیل شده چند نفر از وزرای سابق و لاحق هم بوده اند و چون آقای وزیر هم آنجا بوده اند سؤال می کنم آیا نتیجه کمیسیون در بارجه شده ؟

وزیر پست و تلگراف - همانطور که آقای تدوین فرمودند کمیونی که از چندین قبلاً با بنظر طرف در وزارت پست و تلگراف برای رسیدگی بعملیات مسیو ولیر منعقد است در دو فقره از این دعاوی که بر علیه او است رسیدگی و رای برت دارد یکی راجع به تمبرهای یکی هم راجع به تمبرهای است که در بوشهر در زمان جنگ سور شارژ شده بوده در هر صورت این رای برت تهیه و داده شده و در فقرات دعاوی دیگر نیز مشغول رسیدگی هستند و قرار شد یک کمیونی هم از هیئت وزراء به علاوه یکی دو نفر دیگر منعقد شود و آن رای برت که از کمیسیون پست و تلگراف رسیده قرائت می شود این کمیسیون یک جلسه هم از روز گذشته داشته است و مذاکراتی شده و یک جلسه دیگر هم فردا بعد از ظهر تشکیل می شود و معلوم است پس از آنکه تحقیقاتی شد باز به عرض مجلس میرسد.

برای رسیدگی بعملیات مسیو ولیر منعقد است در دو فقره از این دعاوی که بر علیه او است رسیدگی و رای برت دارد یکی راجع به تمبرهای بین المللی است که از دفاتر مختلفه دنیا برای دفتر پست ما فرستاده می شود و یکی هم راجع به تمبرهای است که در بوشهر در زمان جنگ سور شارژ شده بوده در هر صورت این رای برت تهیه و داده شده و در فقرات دعاوی دیگر نیز مشغول رسیدگی هستند و قرار شد یک کمیونی هم از هیئت وزراء به علاوه یکی دو نفر دیگر منعقد شود و آن رای برت که از کمیسیون پست و تلگراف رسیده قرائت می شود این کمیسیون یک جلسه هم از روز گذشته داشته است و مذاکراتی شده و یک جلسه دیگر هم فردا بعد از ظهر تشکیل می شود و معلوم است پس از آنکه تحقیقاتی شد باز به عرض مجلس میرسد.

تدوین - بنده تصور می کنم موضوع باین مهمی را که قریب به هشت ماه است مطرح شده و تا کنون نتیجه نداده باید از این بیخه بیشتر طرف توجه فرار داد که زودتر حل شود بنده می شنوم که مولیر میگوید من این تمبرها را بدستان و رفقای خود داده ام و اهملتی ندارد البته ممکن است در نظر او اهمیت نداشته باشد ولی در نظر هر ایرانی اهمیت دارد و راجع به نرخهای پستی هم بنده با آقای حاج شیخ اسدالله موافق بودم ولی نوبت به بنده نرسیده حالا عرض میکنم همین مولیر این بودجه ها را مرتب کرده و تا صورت دخل و خرج معلوم نشود نمی شود وارد در از یاد نرخ محمولات پستی شد.

وزیر پست و تلگراف - چنانچه عرض کردم یک جلسه دیگر کمیسیون فرماد منعمد خواهد شد و بعضی اینکه نتیجه داد به عرض آقایان میرسانم.
رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
سلیمان میرزا - گمان می کنم در این مطلبی که بنده میخواهم به عرض آقایان برسانم و بالاخره بیک سؤال ختم خواهد شد باز مظهر افکار هم رفقای مجلسی خود باشم زیرا راجع است به تمدن یا تیکه به مسلمانان در موقع تخلیه از میرواتع شده و گمان میکنم عموم نمایندگان در این مسئله هم عقیده و متفق الکلمه هستند نه تنها و کلاه بلکه موکلین ما هم اختلافی ندارد زیرا در همین مرقعیکه مؤذن اسامی مقدسه خدا و بیغیرین را اسم می برد همین بیغیرین (ص) بام دستور داده است که انال مؤمنون اخو قوتام ما ما از هر حیث با هم دیگر متفق و همدستیم.
از قراریکه بنده شنیده ام در موقع تخلیه از میرقشون یونان تمدیات و تجاوزات بلکه اعمال وحشیانه نسبت بمعموم مسلمانان آنجا مجری داشته اند البته تمام ماها از این

عملیات وحشیانه از دنو نظر اظهار تنفر میکنم اول اینکه قطع نظر از ترتیبات مذهبی مدنیت نوع بشر اجازه نمی دهد که بیجهت بکسی ظلم و تعدی شود بنابراین اولاً از نقطه نظر انسانیت از این ظلم و وحشیگری اظهار تنفر می کنم و ثانیاً از نظر اسلامیت چون بمعموم مسلمان آنجا صدمه و ردمه از این ملت وحشی و جابر اظهار تنفر میکنم قسمت سوم عرض بنده راجع باین است که نسبت به ایرانیهای که داخل در جنگ نبوده اند نیز تمدیات و تجاوزات شده و البته از این نظر هم متفریم و به علاوه راجع باین قسمت سوم بنده می خواستم از آقای رئیس - الوزراء سؤال کنم که آیا حسب الوظيفه بنام ملت و دولت و جماعت پرستی نسبت باین اقدامات حق شکنانه فرموده اند یا خیر ؟ و اگر فرموده همه ما متفق هستیم که پرستی در این موضوع بفرمانده که معلوم شود ولو اینکه اتباع ما هم عقیده های ما فرسخها از ما دور باشند از صدمه که بآنها میرسد متأثریم و ساکت نخواهیم نشست و آن اندازه که بتوانیم بذل مسامحت و حمایت راجع بتمام آنها خواهیم کرد.
(جمعی از نمایندگان کان صریح است)

رئیس الوزراء - در این موضوع بعد از اطلاعاتی که بدولت رسیده بود البته دولت نظر بر بعامه دیانت و اخوت اسلامی نمیتوانست از اظهار تأثر و تأسف خودداری کند و بعد از اطلاع باین قضایا بواسیله سفارت مربوطه بدولت یونان یرتست کردیم
رئیس - آقای محمد ولیر میرزا هم سؤالاتی داشتند ؟
محمد ولیر میرزا - چندی قبل در مجلس راجع بمسامحت دولت با اهالی ارومیه مذاکراتی شد ولی تا کنون نتیجه حاصل نشده می خواستم به بینم آقای رئیس الوزراء در این خصوص اقداماتی فرموده اند یا خیر ؟

رئیس الوزراء - بطوریکه قبلاً در مجلس شورای ملی عرض کرده بودم دولت کمیونی برای مطالعات در اتخاذ تصمصی راجع ترمیم نواحی خراب شده و خسارت دیده ارومی وغیره تشکیل داده بود و منظر بودم رای برت کمیسیون برسد تا بر طبق آن هر طور مقتضی است پیشنهادی خواهد شد و بعد هر طور در مجلس تصویب نماید بوقوع اجرا گذارده خواهد شد.
رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)
سدیدالملک - بنده از آقای وزیر پست و تلگراف سؤالی در خصوص باز شدن همین پاکتها داشتم اگر برای جواب حاضر عرض کنم ؟
رئیس - بفرمائید.
سدیدالملک - اصل بیست و دوم

قانون اساسی می گوید مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثناء می کند نمایندگان کرمان پاکت هائی از کرمان و اسفهان و کاشان رسیده است و تمام باز شده خواستم سؤال کنم علت باز شدن این پاکت چیست ؟
و چرا برخلاف اصل بیست و دوم قانون اساسی رفتار شده است ؟
وزیر پست و تلگراف - نظر باینکه قبلاً این سؤال به بنده اخطار نشده بود بعد جواب عرض می کنم
رئیس - بلی اخطار شده بود گفتم شاید برای جواب حاضر باشند.
سلیمان میرزا - بنده یک سؤال دیگر هم دارم اگر اجازه بفرمائید عرض کنم شاید آقای رئیس الوزراء برای جواب حاضر باشند.
رئیس - بفرمائید.
سلیمان میرزا - با هم گمان می کنم موافق باشید زیرا راجع بهمان قضیه است که قبلاً عرض کردم.
اولاً در مملکت ما مطابق قانون هر کس در اشعار عقیده خود آزاد است و در بابتی هیچ کس نمی توان جلو گیری کرد و البته در موقعبیکه مادر مجلس اظهار نفرت از اعمال وحشیانه می کند و از برای بی احترامی که نسبت به دین و از علمای اعلام ما که مجاهداتی در راه آزادی کرده اند و آثارها از عقبات عالیات بایران سوق داده اند شده اظهار تأثر بنمائیم موکلین ما هم که باماز هر جهت هم عقیده می باشد حق دارند عقیده خود را اظهار کنند و کسی نمی تواند مانع بشود از اینکه یک نفر مسلمان بگوید من از این عملیات که یک شخص ظالمانه و بر خلاف استقلال با دیانت من کرده متفرم و همچنانکه ما اظهار تنفر می کنیم موکلین ما هم حق دارند اظهار حیات خود را از اعمال ظالمانه که برخلاف استقلال و دیانت آنها در سرتاسر نواحی مملکت کرده اند به نمایند باشد اظهار تأثر و تأسف بنمایند و البته وظیفه آنها این است زیرا اعضای یک جامعه و اعضا یک بدن هستند خلاصه یک کافذی از گیلان برای بنده رسیده است این کاغذ حاوی یک اعلان است و یک شرح در ذیل نوشته سؤال بنده راجع باین قضیه است سفار شاین که در گیلان خواسته اند برای تمدی که نسبت بدو نفر از علماء که برای آزادی مملکت خود و یک قسمت از ممالک اسلامی کوشش می کرده اند شده است اظهار احساساتی بنمایند و از آنها جلو گیری شده

قانون اساسی می گوید مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثناء می کند نمایندگان کرمان پاکت هائی از کرمان و اسفهان و کاشان رسیده است و تمام باز شده خواستم سؤال کنم علت باز شدن این پاکت چیست ؟
و چرا برخلاف اصل بیست و دوم قانون اساسی رفتار شده است ؟
وزیر پست و تلگراف - نظر باینکه قبلاً این سؤال به بنده اخطار نشده بود بعد جواب عرض می کنم
رئیس - بلی اخطار شده بود گفتم شاید برای جواب حاضر باشند.
سلیمان میرزا - بنده یک سؤال دیگر هم دارم اگر اجازه بفرمائید عرض کنم شاید آقای رئیس الوزراء برای جواب حاضر باشند.
رئیس - بفرمائید.
سلیمان میرزا - با هم گمان می کنم موافق باشید زیرا راجع بهمان قضیه است که قبلاً عرض کردم.
اولاً در مملکت ما مطابق قانون هر کس در اشعار عقیده خود آزاد است و در بابتی هیچ کس نمی توان جلو گیری کرد و البته در موقعبیکه مادر مجلس اظهار نفرت از اعمال وحشیانه می کند و از برای بی احترامی که نسبت به دین و از علمای اعلام ما که مجاهداتی در راه آزادی کرده اند و آثارها از عقبات عالیات بایران سوق داده اند شده اظهار تأثر بنمائیم موکلین ما هم که باماز هر جهت هم عقیده می باشد حق دارند عقیده خود را اظهار کنند و کسی نمی تواند مانع بشود از اینکه یک نفر مسلمان بگوید من از این عملیات که یک شخص ظالمانه و بر خلاف استقلال با دیانت من کرده متفرم و همچنانکه ما اظهار تنفر می کنیم موکلین ما هم حق دارند اظهار حیات خود را از اعمال ظالمانه که برخلاف استقلال و دیانت آنها در سرتاسر نواحی مملکت کرده اند به نمایند باشد اظهار تأثر و تأسف بنمایند و البته وظیفه آنها این است زیرا اعضای یک جامعه و اعضا یک بدن هستند خلاصه یک کافذی از گیلان برای بنده رسیده است این کاغذ حاوی یک اعلان است و یک شرح در ذیل نوشته سؤال بنده راجع باین قضیه است سفار شاین که در گیلان خواسته اند برای تمدی که نسبت بدو نفر از علماء که برای آزادی مملکت خود و یک قسمت از ممالک اسلامی کوشش می کرده اند شده است اظهار احساساتی بنمایند و از آنها جلو گیری شده

سؤال می کنم آیا چنین مطلبی صحیح دارد یا نه ؟ (البته هیئت دولت بهتر اطلاع دارند و گمان نمی کنم با جلو گیری موافق باشند . می نویسد) در اثر مجاهدتهای عظیم و معیرالمقول که از چندی قبل باینطرف از طرف قوای عثمانی ... (پنجشنبه این راجع به فتوحات است) بالاخره امروز که یوم جمعه بیست و نهم است سه ساعت بغروب از سبزه میدان از عموم طبقات محترم دعوت نموده تمنی می شود در ساعت مقرر از حضور خود مضایقه فرمایند (ماهم نظیر این دعوت را داشتیم و در مسجد شیخ عبدالحسین دعوت کرده بودند و جشنی گرفته بودند و گویا هیئت دولت هم در این جشن تعریف آوردند) در ذیل اعلان می نویسد . پس از تحصیل اجازه از حکومت و نظمی و معارف موقع نطق شصت نفر آژان مسلح وارد باغ و بعد از شروع به نطق موافق حکم نایب الحکومه رئیس نظمی بنده را مانع از نطق و جمعیت که زیاده از پنج هزار نفر بود متفرق شدند این است نتیجه آزادی این است اوضاع ملیون . این است بدبختی و فلاکت یک ملت ستم دیده که از اظهار تأثر خود نسبت ببرادران خود هم معذور هستند و مجاز نبوده اند (اجر کم علی الله) در هر حال یک همچو مراسله نوشته شده بنده سؤال می کنم آیا وقوع همچو قضیه در آنجا صدق بوده است و از اظهار تأثر و نفرت جلو گیری شده است یا نه ؟ و اگر جلو گیری شده چرا شده است و خوب است بامورین دولت امر کنند که دیگر بعد از این ترتیبات پیش نیاید

رئیس الوزراء - متأسفانه بنده

نمی توانم توضیحات کافی بدهم فقط رایرتی که بدولت رسیده است این بود که خواسته اند یک اظهاراتی بکنند از حکومت هم اجازه خواسته اند و حکومت هم اجازه داده ولی در موقع نطق ناطق خواسته است از موضوع نطق خارج شود نظمی جلو گیری کرده حالا باید از حکومت توضیحات کافی برسد آن وقت توضیح خواهم داد

رئیس - آقای دست فیب

(اجازه)

حاج سید محمد باقر دست

غیب - بنده چندین سؤال از آقای رئیس الوزراء کرده بودم فرمودند در جلسه بعد جواب می دهم نمی دانم حاضر هستند یا نه ؟

رئیس - میل داوید بماند برای

روزی پنجشنبه

(بعضی گفتند صحیح است)

رئیس - نسبت به دستور مخالفی

نیست ؟

(گفته شد خیر)

(مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر

ختم شد)

مؤتمن الملك